

دوفصل نامه علمی - ترویجی سیره پژوهی اهل بیت علیهم السلام

سال پنجم، شماره نهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

صفحات ۷۷ - ۹۵

خراج نگاری در چهار قرن نخست هجری با تأکید بر نقش شیعیان

فرشته بوسعیدی^۱، محمدعلی چلونگر^۲

اصغر منتظرالقائم^۳، زهرا حسین هاشمی^۴

چکیده

تاریخ نگاری اسلامی در کنار تاریخ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به جنبه های اقتصادی و مالی حکومت اسلامی نیز توجه می کرده است. در تاریخ نگاری اقتصادی مسائل گوناگون مانند خمس، زکات، جزیه، خراج و نظایر اینها مطرح می شود. خراج از مهمترین درآمدهای دولت های اسلامی بود که به ویژه پس از شروع فتوحات مورد توجه خلفا و کارگزاران خلافت و بالطبع مورد توجه تاریخ نگاران قرار گرفت. در خراج نگاری ها در کنار مسائل تاریخی مباحث فقهی و مالی نیز مورد توجه بوده است. این پژوهش با استفاده از تحلیل داده های تاریخی و کتاب های خراج نگاری، تلاش می کند ضمن بررسی چارچوب تاریخی خراج نگاری های چهار قرن نخست هجری، نشان دهد شیعیان چه جایگاهی در نگارش این گونه آثار داشته اند؟ به نظر می رسد با توجه به تسلط آل بویه بر قلمرو خلافت اسلامی، اوج خراج نگاری شیعیان قرن چهارم هجری بوده است. شیعیان به سبب حضور در دربار آل بویه، متناسب با نیازهای فقهی و اداری به نگارش کتاب های خراج پرداخته بودند.

کلیدواژه ها: آل بویه، تاریخ نگاری، خراج، خراج نگاری، میراث علمی شیعه.

۱. دکتری تاریخ تشیع دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول). fboosaidi@yahoo.com

۲. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. m.chelongar@yahoo.com

۳. استاد گروه تاریخ دانشگاه اصفهان. montazer5337@yahoo.com

۴. دکتری تاریخ اسلام دانشگاه اصفهان. hashemizahra30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۸/۰۴ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۰۹

درآمد

مسلمانان در تاریخ‌نگاری بیشتر گرایش به نگارش سیره و مغازی رسول خدا ﷺ داشتند. در روزگار خلفای اموی به سبب گسترش فتوحات، فتوح‌نگاری رشد کرد. با رشد و شکوفایی تمدن اسلامی و گسترش فتوحات مسلمین، دانشمندان مسلمان در زمینه‌های مختلف تاریخ‌نگاری مانند طبقات، مقاتل، فرق و مذاهب، تواریخ عمومی، نسب‌نگاری و جغرافیا آثار بسیاری از خود به یادگار گذاشتند. درباره مسائل مالی نیز در سده‌های نخست اسلامی به ضرورت تمدنی و نیاز اداری، آثاری مستقل در موضوع اموال و خراج توسط مسلمانان به رشته تحریر درآمد. خراج‌نگاری یکی از سبک‌های نگارش مالی است که از سده‌های نخستین با توجه به فتوحاتی که در مناطق مختلف قلمرو اسلامی به وجود آمد و شیوه اداری سرزمین‌های مفتوحه، مورد توجه قرار گرفت. بحث در باب خراج تنها منحصر به تک‌نگاری‌هایی با عنوان خراج نمی‌شد و در کتاب‌هایی با عنوان اموال مانند اموال قاسم بن سلام (متوفای ۲۲۴) و حمید بن زنجویه (متوفای ۲۵۱)، و نیز در ضمن تواریخ عمومی، جغرافیایی، محلی و فتوح نیز به آن پرداخته می‌شد.

در این مقاله، شیعه به معنای عام آن یعنی امامیه، زیدیه و اسماعیلیه مورد توجه قرار گرفته است و سعی شده تا با توجه به ملاک‌هایی مانند سابقه خاندانی، محل زندگی، آثار، محل تدفین و اساتید نویسندگان به اثبات شیعه بودن آنها پرداخته شود و در صورت عدم موارد فوق، جهت تشخیص شیعه بودن نویسندگان، کتاب *الذریعه* آقا بزرگ اصل قرار داده شده است. در این مقاله علل توجه به نگارش آثاری تحت عنوان خراج و زمینه‌های شکل‌گیری این کتاب‌ها بررسی شده است. همچنین محتوا، شیوه و روش نگارش، نگرش و هدف نویسندگان شیعه از تألیف کتب خراج در چهار قرن نخست هجری، مورد توجه قرار گرفته تا از این طریق کاربرد حدیثی - فقهی و تاریخی آثار و روایات خراج‌نگاران شیعه در آن دوره تبیین و تحلیل شود.

خراج

خراج در لغت به معنی درآمد، سود، پاداش، عطیه و محصول زمین، به کار رفته است. این واژه به مرور زمان به مالیات تخصیص یافت (لشکری، ۱۳۸۰: ۹۵). در عرف عام، معمولاً خراج معنای وسیعی داشته و بر انواع مالیات اطلاق می‌شود اما در اصطلاح به معنای مالیات بر اراضی است (مدرسی طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۴/۲-۱۵).

آیه ۷۲ سوره مومنون: «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ»، (آیا تو از آنها

در برابر دعوتت) مزدی خواسته‌ای؟ با اینکه پاداش دائمی پروردگارت بهتر، و او بهترین روزی دهندگان است)، خراج به معنای عام لغوی خود، یعنی مال و پاداش آمده است (طبری، ۱۴۲۰: ۱۹، ۵۸). در حدیث نبوی «حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ سَعْدٍ، عَنِ الْوَاقِدِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ شَرِيكَ ابْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي نَمِرٍ اللَّيْثِيِّ، عَنْ عَطَاءِ بْنِ يَسَارٍ مَوْلَى مِمْوْنَةَ بِنْتِ الْحَارِثِ ابْنِ حَزْنٍ بْنِ بَجِيرِ الْهَلَالِيِّ قَالَ لَمَّا أَرَادَ رَسُولُ أَنْ يَتَّخِذَ السُّوقَ بِالْمَدِينَةِ قَالَ: هَذَا سُوقُكُمْ لَا خَرَجَ عَلَيْكُمْ فِيهِ» (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۴)، خراج به معنی اجاره بها و مالیات است. خراج در منابع فقهی، اصطلاحاً به معنای مالیاتی است که به اصل زمین، تعلق می‌گیرد. فقها در برخی اقسام زمین، به ویژه زمین‌هایی که با جنگ فتح شده و زمین‌هایی که بر پایه مصالحه مسلمانان با کفار در مالکیت مسلمانان درآمده، پرداخت خراج را ضروری دانسته‌اند (ابویوسف، بی تا: ۱۴۶-۱۴۷).

در متون حدیثی و منابع فقهی واژه خراج گاه در معنای لغوی آن استفاده می‌شد. در معنای لغوی خراج به معنای مالیات یا هر نوع مالی است که متولی جمع‌آوری و مصرف آن حاکم باشد، در این معنی خراج شامل خمس، زکات، فیه و جزیه نیز می‌شود (کلینی، بی تا: ۵۶۷/۳؛ همان: ۲۶۸/۵). عناوین آثاری چون کتاب *الخراج* قاضی ابویوسف (متوفای ۱۸۲) و *الخراج* یحیی بن آدم (متوفای ۲۰۳) ناظر به این مفهوم خراج است.

زمینه‌ها، علل و عوامل خراج نگاری

خراج نگاری به عنوان یکی از شاخه‌های فرعی تاریخ نگاری مالی، به موازات رشد و گسترش اسلام مورد توجه قرار گرفت. در هر دوره دلایل و انگیزه‌های ویژه‌ای برای ثبت رویدادها و وقایع آن دوره وجود دارد. احتمال دارد که در حالت کلی در تمامی دوره‌ها یک و حتی چند انگیزه مشترک وجود داشته باشد اما مطمئناً تفاوت‌های چشمگیری در هر مقطع تاریخی وجود دارد. نگارش در باب خراج در دوره‌های مختلف یکسان نبود و دارای افت و خیز بوده است. اوج خراج نگاری مسلمانان، چهار قرن اول هجری بوده است. این شکوفایی ریشه در حوادث سیاسی-اجتماعی و ریشه در نیازهای فقهی-دینی خلافت عباسی و حیات مسلمانان داشته است. از علل و عوامل پیدایش و رشد خراج نگاری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. قرآن

قرآن کتابی جهان شمول است که همگام با زمان، تطورها و تحولاتها به نیازهای انسان

پاسخ می‌دهد. قرآن تبیان جامعی است که موضوعات مورد نیاز جامعه بشری را به نحو مطلوب تبیین کرده است (نحل، ۸۹). بر این اساس بخشی از آیات قرآن پیرامون اقتصاد، احکام و اخلاق اقتصادی است. در بسیاری از سوره‌ها و آیات قرآن به مسائل مالی همچون مالکیت، عقود اسلامی، تجارت، توزیع، فقر و ثروت، نفقه، ربا و مالیات توجه شده است و کمترین سوره‌ای از قرآن را می‌توان یافت که در آن بحث مسائل مالی نیامده باشد. حتی سوره‌ای همچون انفال عنوان مالی و اقتصادی دارد. واژه خراج در قرآن فقط یک بار به کار رفته است: «أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَقَرْجُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (مؤمنون، ۷۲). گرچه منظور از خراج در این آیه معنای لغوی یعنی اعطای مال و پاداش است (طبری، ۱۴۲۰: ۱۹، ۵۸)، همین مفهوم نیز بیانگر نگرش مالی قرآن می‌باشد که به عنوان یک واژه مالی مورد توجه مورخان شیعه نیز قرار گرفته است.

۲. سنت رسول الله ﷺ

زمانی به سیره رسول الله ﷺ احساس نیاز شد که عده زیادی از یاران حضرت به تدریج از میان رفتند. حس کنجکاوی نومسلمانان غیرعرب در بلاد مفتوحه، به دین جدید و بانی آن (زرزیاب خوبی، ۱۳۷۰: ۱۵) موجب تدوین سنت رسول الله ﷺ به عنوان یکی از اجزای تاریخ اسلام شد. پاسخ به نیاز جامعه نوین اسلامی پس از عصر فتوح برای درک حرکت تاریخ و تحصیل معیارهایی برای ارزیابی آن، به شناخت سیرت و سنت رسول الله ﷺ انجامید (سجادی، ۱۳۸۶: ۳۶). گفتار و کردار رسول الله ﷺ به منظور پیروی از آن و اعتماد بر آن در قانون‌گذاری اسلامی و سامان دادن به کارهای اداری (خضر، ۱۳۸۹: ۷۴)، از جمله مسائل مالی همچون خراج مورد توجه مورخان و فقیهان بوده است. عامر شعبی می‌نویسد: «اولین کسی که خراج را مقرر داشت رسول الله بود. او خراج برای اهل هجر مقرر کرد» (ابویوسف، بی‌تا: ۱۲۹). پیامبر برای خراج که نوعی مالیات بر زمین بود، «سواد بن غزیه انصاری» را عامل خراج خیبر کرد. هنگام تعیین خراج، ارزیابی‌کننده باید عناصر زیر را در نظر می‌گرفت: کیفیت زمین، نوع محصول برداشت شده و نوع آبیاری.^۱ این سنت و نمونه‌های دیگر به عنوان سنتی لازم‌الاجرا در دوره فتوح، مبنای عمل سرداران مسلمان قرار گرفت. امام علی علیه السلام نیز در عهدنامه مالک اشتر بخشی از توصیه‌های اخلاقی خود را به همین امر اختصاص می‌دهد از جمله می‌فرماید: «و

۱. نک. سلیم رشید و احمد اوران، «سیاست مالی در صدر اسلام»، اقتصاد، نشریه دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی تهران، شماره ۶ بهار ۷۶، ص ۱۰۹-۱۱۰.

در کار خراج چنان بنگر که صلاح خراج دهندگان در آن است چه صلاح خراج و خراج دهندگان به صلاح دیگران است و کار دیگران سامان نگیرد تا کار خراج دهندگان سامان نپذیرد که مردمان همگان هزینه خوار خراجند و خراج دهندگان» (شریف‌رضی، ۱۳۸۷: ۷۸۰-۷۸۳). پس پیروی از سنت رسول الله ﷺ و شیوه حکومتی امام علی علیه السلام بود که بعد از وفات ایشان، مورخان و فقیهان شیعه را واداشت که ابتدا به نگارش سیره رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم بپردازند. بعد از آن به تألیف کتاب‌های فقهی، حدیثی و تاریخی توجه کردند. این کتاب‌ها ضمن نقل احادیث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و روایات امام علی علیه السلام در باب مسائل مختلف مالی، بحث خراج را نیز در برداشت. پس از اینها شیعیان کتاب‌های مستقلی در باب خراج تألیف کردند.

۳. مسائل فقهی-مالی

افزون بر ضوابط تعیین شده در سنت نبوی، برخی شیوه‌های کاربردی خلفای نخستین، از جمله امام علی علیه السلام، دست مایه فقیهان و محدثان شیعه شد تا با بهره‌گیری از آنها به تدوین مباحث اموال بپردازند و آثاری نظری و کاربردی در این موضوع تألیف کنند. با اینکه فقیهان همیشه اشراف و نظارتی مستقیم بر نظام مالی دولت اسلامی نداشتند، اما از نظر تطبیق مبانی نظری، آراء و آثار فقهی آنان از اهمیت کاربردی بسزایی برخوردار بوده است؛ زیرا احکام و مسائل مرتبط به امور خلافت، می‌بایست توسط فتوای فقیهان با قوانین شرع منطبق می‌شد. در نتیجه به تدریج بعد از فتوحات اسلامی و ورود مسائل جدید و بررسی‌های دقیق‌تر علمی در گستره فقه، یعنی از ابتدای قرن دوم هجری تا اوایل قرن چهارم هجری، کتاب‌های فقهی مهمی به نگارش درآمدند. در این کتاب‌ها ضمن پرداختن به جنبه‌های مختلف فقهی، فقه مالی نیز مورد توجه بوده است. درباره خراج نیز آثار مستقلی توسط فقیهان شیعه از جمله محمد بن مسعود عیاشی و عبدالعزیز بن یحیی جلودی به نگارش درآمد.

۴. فتوحات و گسترش مناطق اسلامی

نیمه دوم قرن اول سرزمین‌های اسلامی به واسطه‌ی فتوحات بسیار گسترده شد و متعاقب آن تنوع اوضاع و احوال بومیان، ایجاب کرد تا خلفا روش‌های مالیاتی متفاوتی در پیش بگیرند. از سوی دیگر، زمانی که دامنه دولت اسلامی به سبب فتوحات گسترش یافت و فرهنگ‌های جدید در جامعه اسلامی با هم آمیخت، نیاز به اقدامات سازمانی، هماهنگ با حجم تحولات تحقق یافته، احساس شد و نخستین نهاد اقتصادی در قالب «بیت المال» ظهور یافت (حورانی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). در نتیجه این دو عامل یعنی اتخاذ سیاست‌های مالی خلفا و تشکیل

سازمان‌های اداری و مالی، جامعه اسلامی با رشد اندیشه‌های اقتصادی مواجه شد. رفته‌رفته مباحث معرفتی در موضوعات مانند قیمت، پول، حاسبه، تجارت و خراج توسعه و تنوع یافت (همان).

۵. اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه

بیشتر سرزمین‌هایی که مسلمانان در دو قرن اول هجری تصرف کردند متعلق به دو امپراطوری روم و ایران بود. اداره این سرزمین‌ها قبل از فتح، به روش و سبک حکومتی این دو دولت وابسته بود. طبیعتاً اداره زمین‌های فتح شده به سبک دولت‌های قبلی ممکن نبود و مسلمانان برای اداره آنها با مشکلاتی مواجه شدند. مسلمانان برای اداره سرزمین‌های مفتوحه از روش‌های اسلامی پیروی می‌کردند. بنابراین اداره شرعی این سرزمین‌ها، مسلمانان را برآن داشت تا قواعد مالی و اقتصادی جدید، مطابق با احکام شرع را در قالب آثار مکتوب تدوین کنند. تا جایی که در این راه کاتبان و وزیران دربار به درخواست خلفا آثاری تألیف کردند. برای نمونه یحیی بن آدم به عنوان یک فقیه، کتاب *الخراج* را با هدف اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه به نگارش درآورد. همچنین می‌توان به کتاب *دواوین الخراج* عباد بن عباس اشاره کرد که نویسنده به عنوان یک کاتب این اثر را برای اداره بهتر منطقه قم تدوین کرد.

به این ترتیب خراج‌نگاری در چند سده نخستین هجری از یک طرف متأثر از عوامل مذهبی و دینی جامعه است. مسلمانان تحت تأثیر قرآن و سنت رسول الله ﷺ، آثاری در این زمینه تألیف کردند. از طرف دیگر عوامل سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی پس از فتوحات به ویژه در اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه، موجب نگارش آثار مالی و خراج‌نگاری شد.



نمودار علل و زمینه‌های خراج‌نگاری

سبک شناسی خراج نگاری‌ها

خراج نگاری‌ها از سه منظر قابل بررسی هستند. دسته‌ای از این آثار که توسط فقیهان شیعه، به سبک و روش روایی به منظور اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه و جهت تطبیق شرع با احکام زمین به نگارش درآمده است. مانند کتاب «الخراج» یحیی بن آدم که به نظر می‌رسد تک نگاری در باب خراج باشد ولی علاوه بر بحث خراج، در باب مسائلی مانند غنیمت، فیه، جزیه، اقطاع، زکات، کیل، مقدار صاع و احیای زمین موات نیز بحث کرده است. همچنین می‌توان به کتاب‌های *الخراج* محمد بن مسعود عیاشی و *عبدالعزیز بن یحیی* جلودی اشاره کرد که آثارشان موجود نیست اما موضوع آنها بررسی فتوحات بود.

دسته دوم آثاری است که توسط کاتبان و وزیران شیعه به سبک تاریخی و توصیفی و با هدف اداره بهتر سرزمین‌ها به عنوان یک متن عملی و کاربردی و با نگرش سیاسی-اداری به نگارش درآوردند. این آثار علاوه بر بحث خراج شامل معرفی اماکن جغرافیایی نیز می‌باشند. از جمله این آثار می‌توان به کتاب *الخراج و صناعه الکتابه* قدامه بن جعفر، *دواین الخراج* عباس بن عباد و کتاب *الایضاح و الثقیف فی آئین الخراج* و رسومه علی بن وصیف اشاره کرد.

دسته سوم آثاری است که توسط مورخان و با سبک تاریخی و توصیفی و به صورت ذکر وقایع و حوادث، با هدف تاریخ نگاری به نگارش درآوردند. محتوای این آثار بررسی تاریخ خراج و عاملان آن می‌باشد. مانند کتاب *المثل و السیر و الخراج* محمد بن بحر الرهنی.

کاربرد کتاب‌های خراج

بیشتر کتاب‌های خراج از بین رفته‌اند. با توجه به استنادات و ارجاعاتی که مورخان، فقها و نویسندگان بعدی به این آثار داده‌اند، روشن می‌شود که کتاب‌های خراج دربردارنده موضوعات مانند فتوحات، معرفی مناطق جغرافیایی، بحث‌های مالی، خراج، خمس، جزیه و زکات و نظایر اینها بوده است. از این رو از دو حیث تاریخی و فقهی می‌تواند مورد استفاده قرار گیرند.

۱. کاربرد تاریخی

کتاب‌های خراج در موضوعات مهمی چون فتوحات اسلامی، مسائل مالی سرزمین‌های اسلامی و شناخت امکان جغرافیایی مورد توجه تاریخ پژوهان قرار گرفته است. طبری در ذکر مسائل مالی (طبری، ۱۴۰۷: ۱۶/۱؛ ۱۱۰/۲؛ ۵۹/۳؛ ۲۸۵/۵) از کتاب یحیی بن آدم استفاده کرده است. بلاذری در *فتوح البلدان* و ابن خطیب در *تاریخ بغداد* هر دو به عنوان یک مورخ، در مبحث فتوحات این آثار را مدنظر داشته‌اند (بلاذری، ۱۹۸۸: ۲۰، ۳۱، ۳۴، ۶۵، ۹۹، ۲۶۴، ۴۴۷؛

خطیب بغدادی، بی تا: ۳۷/۱-۴۶). یاقوت و قزوینی در آثار جغرافیایی خود در ذکر امکان جغرافیایی (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۴۶/۱؛ ۲۷۵/۳؛ ۴۰۵/۴؛ قزوینی، بی تا: ۲۲۰) به این آثار ارجاع داده‌اند. ابن شهبه در کتاب تاریخ مدینه (ابن شهبه، ۱۳۹۹: ۱۸۵/۱؛ ۴۸۸/۲؛ ۱۱۴/۳؛ ۱۲۶۴/۴) و قمی در تاریخ قم (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶)، ابن عساکر در تاریخ دمشق (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۴/۱) و ابن العدیم در بغیة الطلب فی تاریخ حلب (ابن العدیم، بی تا: ۲۵۹/۱)، در گزارش‌های مالی از این کتاب‌های خراج استفاده کرده‌اند.

۲. کاربرد حدیثی - فقهی

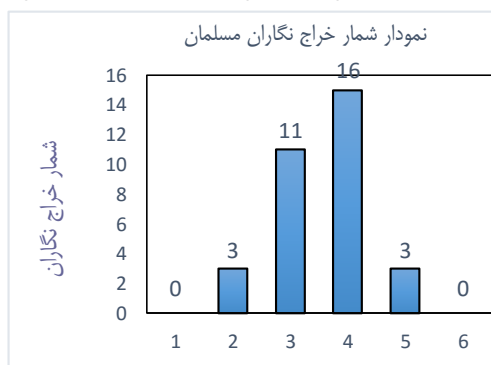
علاوه بر مورخان، فقیهان نیز از این آثار بهره برده‌اند. فقها به ویژه در مسائل مالی به کتاب‌های خراج توجه کرده‌اند. برای نمونه ابن رجب حنبلی در باب خراج (ابن رجب حنبلی، بی تا: ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۳۶)، ابن السدادی در ذکر مسائل مختلف مالی (داودی، ۱۴۲۹: ۷۱) و الهارونی در باب خمس و زکات (هارونی، بی تا: ۸۷/۲، ۱۴۰، ۱۷۶) به یحیی بن آدم ارجاع داده‌اند. عیاشی از فقهای معروف، اثری درباره خراج تألیف کرده بود که در بسیاری از کتاب‌های حدیثی - فقهی شیعه مانند الاستبصار (طوسی، ۱۳۷۵: ۴۷/۲)، من لایحضره (شیخ صدوق، ۱۳۶۷: ۱۸۲/۲، ۱۲)، تهذیب (طوسی، ۱۳۶۵: ۸۱/۴)، مستدرک الوسائل (نوری طبرسی، بی تا: ۹/۷، ۱۸، ۲۶، ۳۵، ۶۲، ۹۰، ۹۲، ۱۰۱، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۷، ۲۷۷، ۲۸۱، ۲۸۵، ۲۸۷) و عیون الاخبار (شیخ صدوق، ۱۴۰۴: ۸۵) مورد استفاده و ارجاع قرار گرفته است.

خراج نگاران مسلمان

در دستگاه خلافت اسلامی به پیروی از فرهنگ ساسانی و تا حدی فرهنگ رومی، دیوان خراج تأسیس شد. خلفای اسلامی با فزونی غنایم، خراج و مالیات، گنجینه و خزانه‌ای تأسیس کرده و آن را بیت‌المال نامیدند. خلفا برای اداره بیت‌المال به قانون و دستورالعمل نیاز داشتند. از این رو برخی از دانشمندان اسلامی در این موضوع دست به تألیف زدند (دانش پژوه، ۱۳۶۷: ۱۶۵). خراج‌نگاری از سده‌های نخست هجری مورد توجه قرار گرفت و آثار زیادی در این موضوع تدوین شد. از مهمترین خراج‌نگاران مسلمان می‌توان به افراد زیر اشاره کرد:

معاویه بن عبیدالله (متوفای ۱۷۰)، کاتب و وزیر؛ یعقوب بن ابراهیم (متوفای ۱۸۲)، قاضی؛ حفص بن منصور مروزی (متوفای نیمه دوم سده دوم)، دبیر؛ یحیی بن آدم (متوفای ۲۰۳)، فقیه؛ حسن بن زیاد اللؤلؤی (متوفای ۲۰۴)، فقیه؛ هیثم بن عدی (متوفای ۲۰۷)، مورخ؛

عبدالملک بن علی اصمعی (متوفای ۲۱۷)، ادیب؛ جعفر بن مبشر (متوفای ۲۳۴)، فقیه؛ أحمد بن اسرائیل (متوفای ۲۵۵)، کاتب؛ عمرو بن بحر الجاحظ (متوفای ۲۵۵)، ادیب؛ احمد بن عمر الشیبانی (متوفای ۲۶۱)، فقیه؛ احمد بن محمد ابوسهل احول (متوفای ۲۷۰)، کاتب؛ داود بن علی الاصفهانی (متوفای ۲۷۰)، فقیه؛ سلیمان بن وهب (متوفای ۲۷۲)، وزیر؛ حامد بن العباس خراسانی (متوفای ۳۱۱)، وزیر؛ احمد بن محمد بن بشار (متوفای ۳۱۲)، کاتب؛ محمد بن مسعود سمرقندی (متوفای ۳۲۰)، فقیه؛ محمد بن بحر الرهنی^۱ (متوفای ۳۲۲)، مورخ؛ عبدالرحمن بن عیسی (متوفای ۳۳۰)، کاتب و وزیر؛ محمود بن داود (متوفای ۳۳۱)، فقیه؛ عبدالعزيز بن یحیی بن احمد بن عیسی (متوفای ۳۳۲)، فقیه؛ عباد بن العباس الطالقانی (متوفای ۳۳۵)، کاتب؛ قدامه بن جعفر (متوفای ۳۳۷)، کاتب؛ عبدالله بن داود (متوفای حدود ۳۳۸) کاتب؟؛ عبیدالله بن احمد کلواذانی^۲ (متوفای ۳۴۵)، کاتب؛ ابن ماشطه، علی بن الحسن (متوفای ۳۵۰)، کاتب؛ الحسن بن محمد بن هارون (متوفای ۳۵۲)، وزیر؛ خشکانجه، علی بن وصیف (متوفای ۳۷۰)، کاتب؛ اسحاق بن شریح (متوفای حدود ۳۷۷)، کاتب؛ حفصویه (متوفای سده چهارم؟)، کاتب؛ محمد بن سهل الشلحی^۳ (متوفای ۴۳۲ یا ۴۱۳)، کاتب؛ محمد بن ایوب المدائنی (متوفای ۴۴۸)، وزیر و کاتب؛ مبارک بن شراره (متوفای ۴۹۰)، مورخ؛ المظفر بن القاضی محمدالدین (متوفای ۶۵۰)، مورخ؛ الحسین بن عبد الله السمری^۴، کاتب؛ محمد بن احمد بن خیار، کاتب؛ محمد بن سهل الأحول، مورخ^۵.



۱. از روستاهای کرمان بود.

۲. از شهرهای مهم دوره عباسی که بین بغداد و مدائن واقع بود.

۳. از روستاهای عکبری بود.

۴. منطقه‌ای بین واسط و بصره بود.

۵. جهت اطلاع بیشتر در مورد اسامی خراج نگاران به فهرست ابن ندیم، صبح الاعشى قلقشندی، معجم مولفین کحاله، اعلام زرکلی، التاریخ بغداد ابن خطیب، وفيات الاعیان ابن خلکان، تاریخ الاسلام ذهبی، منتظم ابن جوزی، الوافی بالوفیات الصفدی، معجم الادباء یاقوت حموی مراجعه شود.

خراج نگاران شیعه

شمار قابل توجهی از خراج نگاران مسلمان شیعه بودند. در این قسمت با توجه به موضوع مقاله تعدادی از تألیفات قدیم شیعیان که به طور مستقیم در موضوع خراج تألیف شده‌اند، به اختصار معرفی و سبک‌شناسی می‌شوند.

۱. یحیی بن آدم بن سلیمان قرشی (متوفای ۲۰۳)

یحیی بن آدم مکنی به اَبازکریا، از ثقات اهل حدیث کوفه است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۱۴). در برخی منابع از وی به عنوان شیعه زیدی نام برده شده است (بهلولی، ۱۴۲۳: ۷۰۲). درباره این دعوی و اثبات گرایش‌های شیعی و زیدی او می‌توان به شواهدی چند اشاره کرد: ابوالفرج اصفهانی در کتاب *مقاتل الطالبین* یحیی و دو شاگردش عثمان و ابی بکر فرزندان ابی شیبه را از بیعت‌کنندگان با محمد بن ابراهیم بن طباطبا مشهور به ابوالسرا، از نوادگان امام حسن بن علی علیه السلام به شمار آورده است (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵: ۳۶۶). قاضی نعمان مغربی (متوفای ۳۶۳) در کتاب *شرح الاخبار*، روایاتی از طریق وی درباره علل جنگ‌های علی علیه السلام با مخالفانش آورده است (قاضی نعمان، ۱۴۱۴: ۵۱/۲-۵۵).

یحیی بن آدم مولف کتاب *خراج* (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۱۴). در سال ۲۰۳ در فم الصلح درگذشت (حاجی خلیفه، ۱۴۳۱: ۱۶۰/۹). جزء اول کتاب در باب غنیمت و فیء، زمین خراج و زمین عشر (قرشی، بی تا: ۱۷-۲۳)، جزء دوم تقسیم فیء، عهد اهل سواد و صلح آنها، حکم خریداری زمین اهل ذمه، حکم اصلاح زمینی که به حال خود رها شده است، اموال نصاری بنی تغلب (همان: ۴۱-۶۸)، جزء سوم جزیه و خراج، قطایع، احیاء زمین موات، حکم درخت کاری و ساختمان سازی در زمین دیگری بدون اذن وی، زکات زمین و زرع و ثمار (همان: ۷۱-۱۱۵) و جزء چهارم در تفسیر آیه «وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا»، نهی از درو و چیدن میوه در شب، فضل تجارت و زرع و نخل، آنچه اعطا کردن صدقه به آن مکروه است، آنچه زکات بر آن واجب می‌شود، مبلغ کیل و مقدار آن، مقدار صاع، خراج زمین و زکات زرع (همان: ۱۲۴-۱۷۳) است. در این کتاب در مجموع ۶۴۰ روایت در مسائل مختلف مالی نقل شده است. با توجه به مطالب کتاب مشخص است که هرچند عنوان کتاب خراج است ولی علاوه بر ذکر مسائلی درباره خراج به مسائل مالی و فتوح و مناطق جغرافیایی نیز پرداخته شده است. در این کتاب از حدود ۹۰ شخصیت به عنوان شیوخ یحیی بن آدم نام برده شده است. بیشتر روایات نقل شده در این کتاب بدون واسطه از کتاب *خراج* قاضی ابویوسف است.

به نظر می‌رسد هدف از نگارش این اثر جنبه عملی و کاربردی آن در جهت رفع مشکلات اداری ناشی از فتوح بوده است تا راهکارهای فقهی و اداری در اختیار حکام و فرمانروایان قرار دهد. نویسنده فقیه تلاش کرد تا این اثر از نظراتقان سندی و محتوایی معتبر باشد. از این رو نویسندگان بعدی بارها به این کتاب ارجاع داده‌اند. چنانکه برخی از روایات *الخراج* یحیی بن آدم در کتاب *استخراج الخراج* (ابن رجب حنبلی، بی تا: ۱۰، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۳۶)، *اموال* (داودی، ۱۴۲۹، ۷۱)، *شرح تجریدی فقه زبیدی* (هارونی، بی تا، ۱۲، ۸۷، ۱۴۰، ۱۷۶)، *معجم البلدان* (یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ۴۶/۱، ۲۷۵/۳، ۴۰۵/۴)، *فتوح البلدان* (بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۰، ۳۱، ۳۴، ۶۵، ۹۹، ۲۶۴، ۴۴۷)، *تاریخ مدینه* (ابن شبه، ۱۳۹۹: ۱۸۵/۱، ۴۸۸/۲، ۱۱۴/۳، ۱۲۶۴/۴) و *تاریخ طبری* (طبری، ۱۴۰۷: ۱۶/۱، ۱۲، ۱۱، ۵۹/۳، ۲۸۵/۵) مورد استفاده قرار گرفته است.

به سبب طرح موضوع فتوحات، در این کتاب به معرفی اماکن جغرافیایی نیز توجه شده است. از این رو بسیاری از روایات جغرافیایی این کتاب را می‌توان در تواریخ محلی و متن‌های جغرافیایی مشاهده کرد. نکته دیگر این که سبک و روش نگارش این اثر به صورت روایی است. روایات نقل شده در کتاب عموماً مستند، کوتاه و منتخب هستند و در آنها از ذکر وقایع تاریخی مگر در موارد خاص که بیان آنها الزامی است خودداری شده است. نکته آخر اینکه تاریخ‌نگری نویسنده برخلاف نویسندگان تواریخ عمومی، محلی، جغرافیایی، دیوانسالاری‌ها، تاریخ وزرا و کتاب، بیشتر فقهی-سیاسی و اداری است تا تاریخی.

۲. ابونصر محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی (متوفای ۳۲۰)

ابونصر از فقهای شیعه امامیه (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۳۶۱) اهل سمرقند (طوسی، بی تا؛ ۳۱۷)، معروف به عیاشی، ثقة و صدوق بود. عیاشی ابتدا سنی و بعد شیعه شد. وی از علمایی چون علی بن فضال و عبدالله بن محمد طیالسی و از جماعتی از شیوخ کوفه، بغداد و قم حدیث شنیده است (نجاشی، بی تا: ۲۷۰). وفات وی احتمالاً حدود ۳۲۰ است (حاجی خلیفه، ۱۴۳۱: ۲۷/۶). جنید بن محمد بن نعیم، مکنی به ابواحمد تصنیفات او را در پایان نامه‌ای که به ابوالحسن علی بن محمد نوشته، آورده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۳۶۱). از آثار وی می‌توان به کتاب *الخراج* اشاره کرد (طوسی، بی تا: ۳۱۷؛ ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۳۶۲؛ نجاشی، بی تا: ۲۷۲). این کتاب و دیگر آثار او توسط برخی از اصحاب، از فرزند عیاشی، جعفر بن محمد بن مسعود عیاشی از پدرش روایت شده است (طوسی، بی تا: ۳۱۹). کتاب *الخراج* وی موجود نیست. به نظر می‌رسد این کتاب تک‌نگاری درباره زکات است ولی احتمالاً مانند کتاب یحیی بن آدم، حاوی

مسائل مالی دیگر مانند خمس، صدقه، جزیه و خراج نیز باشد. درباره خراج روایتی از عیاشی در کتب فقهی - حدیثی و تاریخی مشاهده نشد ولی روایات بسیاری از وی درباره زکات، خمس، صدقه و جزیه نقل شده است. با توجه به اینکه بیشتر آثار عیاشی در حوزه فقه است، او بیشتر به عنوان یک فقیه معروف است. از این رو به نظر می‌رسد این کتاب با نگرش فقهی و سبک روایی و با هدف رفع مشکلات مالی ناشی از فتوح و پاسخگویی به مسائل فقهی و اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه در باب خراج به نگارش درآمده است.

۳. ابوالحسین محمد بن بحر الزهنی^۱ السجستانی (متوفای ۳۲۲)

ابوالحسن، متکلم شیعی، ساکن نرماشیر از توابع کرمان بوده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۸۵). نجاشی در معرفی آثار او (نجاشی، بی تا: ۲۷۲) ذکری از کتاب *المثل والسیروالخراج* او نیاورده است. تنها کسی که در بین مورخان شیعه از کتاب *المثل والسیروالخراج* او نام برده، ابن شهر آشوب است. ابن شهر آشوب می‌نویسد محمد بن بحر ۵۰۰ کتاب دارد که در خراسان موجود است (ابن شهر آشوب، ۱۳۵۳: ۸۵-۸۶). با توجه به سخنان ابن شهر آشوب باید گفت که این کتاب تا زمان وی (۴۸۸-۵۸۸) در خراسان موجود بوده است. از این کتاب اثری باقی نمانده است. در کتاب‌های جغرافیایی، روایاتی به صورت مستقیم و بدون واسطه از وی نقل شده است (نک. قزوینی، بی تا: ۲۲۰؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۵۹/۱، ۱۹۰/۳). از عنوان کتاب *المثل والسیروالخراج* و از روایاتی که از وی در کتب جغرافیایی در باب سیستان و وضع اقتصادی این منطقه نقل شده، به نظر می‌رسد این کتاب در زمره کتاب‌های تاریخی بوده و به تاریخ خراج سیستان اختصاص دارد. احتمالاً مؤلف در مقام یک مورخ و با نگرش و سبک تاریخی-جغرافیایی تألیف کرده است.

۴. عبدالعزیز بن یحیی بن احمد بن عیسی (متوفای ۳۳۲)

أبوأحمد، شیعی، فقیه امامی، مورخ، ادیب (نجاشی، بی تا: ۱۸۰؛ بغدادی، ۱۹۵۱: ۵۷۶/۱)، از اصحاب امام جواد علیه السلام بود (خویی، ۱۴۱۳: ۲۵/۱۱). نجاشی حدود دویست اثر از وی نام برده و گفته که بعضی از آنها را دیده است (نجاشی، بی تا: ۱۸۳). از کتاب *الخراج* وی تنها خوئی نام برده است (خویی، ۱۴۱۳: ۲۶/۱۱). ابوالاحمد در ۳۳۲ درگذشت (بغدادی، ۱۹۵۱: ۵۷۶/۱؛ حاجی خلیفه، ۱۴۳۱: ۴۶۵/۵). از کتاب *الخراج* وی اثری برجای نمانده است ولی با توجه به فقیه بودن مؤلف، به نظر می‌رسد این کتاب با نگرش فقهی، سبک روایی و با هدف رفع

۱. یکی از روستاهای کرمان (یاقوت حموی، ۱۹۹۵: ۱۰۸/۳).

مشکلات مالی ناشی از فتوح و پاسخگویی به مسائل فقهی و اداره شرعی سرزمین‌های مفتوحه درباره خراج به نگارش درآمده است.

۵. ابوالحسن عباد بن العباس بن عباد الطالقانی (متوفای ۳۳۵)

ابوالحسن محدث، وزیر و کاتب، پدر صاحب بن عباد (متوفای ۳۸۵) وزیر شیعه مذهب مشهور آل بویه است (بغدادی، ۱۹۵۱: ۴۸۴/۱). ابوالحسن در سال ۳۳۵ درگذشت (ابونعیم، ۱۴۱۰: ۱۰۳/۲). منابع تاریخی هیچ اشاره‌ای به کتاب خراج وی نکرده‌اند با این حال آقا بزرگ می‌نویسد: ابوالحسن عباد بن عباس بن عباد وزیر و کاتب رکن‌الدوله بویهی بود و از طرف او به‌عنوان عامل خراج به قم فرستاده شد. ابوالحسن در قم کتابی به نام *دواوین الخراج* برای تنظیم دستور و قانون خراج و ضرائب آن به نگارش درآورد. او در آن کتاب، والیان خراج را از ظلم و تعدی بازداشت و به عدل و انصاف راهنمایی کرد. این کتاب به‌عنوان قانون سیصد و چهل معروف شد چه قوانین این کتاب از سال سیصد و چهل به اجرا درآمده است (آقابزرگ، ۱۳۶۷: ۲۸۳/۷). از این قانون نامه اثری باقی نمانده است اما حسن بن محمد قمی در ابتدای تاریخ قم در فهرست مطالب باب دوم، از این کتاب، به‌عنوان مأخذ تاریخ قم در ذکر انواع خراج نام برده است (قمی، ۱۳۶۱: ۱۶).

از این رو به نظر می‌رسد، عباد بن عباس در سمت وزارت و کتابت، این اثر را با هدف آموزش کاربردی عاملان خراج و جلوگیری از ظلم و ستم آنها در اخذ خراج، به صورت قانون نامه به نگارش درآورده است. این قانون نامه با هدف اداره بهتر قم توسط یک کاتب و وزیر، به نگارش درآمده است و عاری از تمایلات سیاسی و قبیله‌ای است. در مقایسه با کتاب *الخراج* قرشی که در آن علاوه بر خراج به دیگر مسائل مالی حکومت اسلامی پرداخته است این اثر فقط منحصر بر مسئله خراج بوده است و به صورت تک‌نگاری به نگارش درآمده است. سبک و روش نگارش کتاب با توجه به روایات نقل شده در تاریخ قم در باب خراج، تاریخی و نزدیک به سبک نگارش کتاب‌های دیوانسالاری و سیاستنامه‌ها بوده است.

۶. قدامه بن جعفر (متوفای ۳۳۷)

أبوالفرج، کاتب نصرانی بود و بدست مکتفی اسلام آورد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۲۱۴). درباره مذهب وی نظر قاطعی نمی‌توان داد. آنچه درباره فدک آورده و تعبیر «رضوان الله علیها» برای فاطمه زهرا علیها السلام قابل توجه است. وی همچنین از امام صادق علیه السلام یک روایت در کتاب *الخراج* نقل کرده است (جعفریان، ۱۳۹۳: ۲۴۸). یاقوت نیز وی را از متولیان امر کتابت در دیوان زمام برای ابن فرات و معزالدوله می‌داند (یاقوت حموی، ۱۴۱۱: ۲/۸-۹). این امر حاکی از ارتباط وی

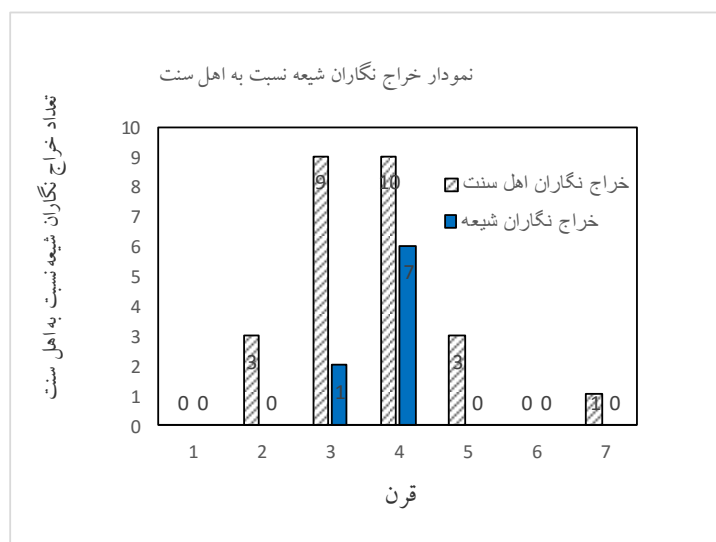
با خاندان شیعه مذهب بویهی و ابن فرات است. ولی همه اینها نمی‌تواند دلیل قطعی بر تشیع او بوده باشد. آقا بزرگ او را به طور قطع شیعه معرفی کرده است (آقابزرگ، ۱۳۶۷: ۱۷۲/۷). وفات وی ۳۲۸ و یا به قولی ۳۳۷ (یا قوت حموی، ۱۴۱۱: ۸/۲) بوده است. وی کتاب *الخراج* را در هشت منزل به نگارش درآورده و سپس منزل نهم را نیز به آن اضافه کرد (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۲۱۴؛ ذهبی، ۱۴۰۷: ۲۳/۳۲۵). از منزل نهم این کتاب اثری بر جای نمانده و نیمی از اصل کتاب نیز - از منزل اول تا چهارم - از بین رفته است و تنها چهار منزل از کتاب یعنی منزل ۵-۸ باقی مانده است. منزل پنجم کتاب شامل یازده باب در مورد دیوان‌های جیش، نفقات، بیت‌المال، رسائل، توقیع، دار، خاتم، فض، دارضرب، مظالم، کتابت شرطه و الاحداث و برید است (قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۱-۷۷). منزل ششم شامل هفت باب به امور مربوط به زمین از جمله هیئت، مساحت، دریاها، جزایر، کوه‌ها، رودها و چشمه‌ها، ممالک اسلامی و حدود و ثغور آنها پرداخته است (همان: ۱۳۲-۱۸۵). منزل هفتم در ضمن نوزده باب، مباحث مربوط به خراج (همان: ۲۰۲-۲۵۶) را مطرح کرده است و منزل هشتم نیز در دوازده باب، با قبول این امر که انسان طبیعتاً مدنی و شهرنشین است به بیان برخی از احتیاجات وی از جمله نیاز به پوشاک، تولید نسل، اجتماع، طلا، نقره و معامله با آنها، دولت و امام، علم سیاست پرداخته و در ادامه، صفات و ویژگی‌های رهبر جامعه از قبیل عقل، علم، راستگویی و پرهیز از حسد را توضیح داده است (همان: ۴۲۵-۴۸۰). وی در این کتاب نقل‌هایی از *فتوح البلدان* بلاذری، *المسالك والممالك* ابن خردادبه، *الاموال* ابی عبید و *الخراج* قرشی (قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۱۲) دارد. روایاتی از این اثر را می‌توان در *فارسنامه* ابن بلخی، *صبح‌الأعشى فی صناعة الإنشا* (قلقشندی، ۱۹۸۷: ۴۷۲/۶)، *تاریخ دمشق* (ابن عساکر، ۱۴۱۵: ۲۴/۱) و *بغیة الطلب فی تاریخ حلب* مشاهده کرد (ابن العدیم، بی‌تا: ۲۵۹/۱). یکی از مباحثی که نویسنده در منزل ۵ و در باب دیوان جیش به آن اشاره کرده، ذکر دیوان *الخراج* و ضیاع است (قدامه بن جعفر، ۱۹۸۱: ۲۱).

با مراجعه به متن کتاب، این اثر تنها به موضوع خراج بسنده نکرده، بلکه دارای موضوعات و احکام متنوع مالی است که در ضمن آنها به تاریخ و جغرافیا نیز توجه شده است. سبک نگارش آن به صورت تاریخی و توصیفی است. همین سبک نگارش نشانگر تاریخ‌نگاری نویسنده است. نکته دیگر اینکه کتاب قدامه سرشار از مسائل جغرافیایی است تا جایی که نویسنده در جای جای کتاب به بحث‌هایی جغرافیایی توجه داشته است. چه این نویسنده از کتاب‌های جغرافیایی مانند *فتوح البلدان* بلاذری، *المسالك والممالك* ابن خردادبه استفاده کرده

است و کتاب‌های جغرافیایی و تواریخ محلی مانند *فارسانامه*، *تاریخ دمشق* و *بغیة الطلب فی تاریخ حلب* نیز بارها در مطالب جغرافیایی به کتاب *قدامه بن جعفر* ارجاع دادند. با توجه به سمت کتابت نویسنده، هدف از نگارش این اثر، راهنمایی کاتبان در امور مختلف سیاسی-اداری، نظامی (منزل ۵)، اقتصادی (منزل ۶ و ۷) و اجتماعی (منزل ۸) بوده است. و کتاب جنبه کاربردی و عملی داشته است.

۷. خشکناجه، علی بن وصیف (متوفای ۳۷۰)

خشکناجه کاتب، از شیعیان و اهل بغداد ولی بیشتر ساکن رقه بود. او سپس به موصل رفت. ابن ندیم او را دوست و انیس خود معرفی کرده و ادامه داده او چند کتاب تألیف کرده بود که عبدان، رئیس اسماعیلیه آنها را به خود نسبت داده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۲۳۰؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۱: ۳۴۱/۴). نجاشی وی را از شاعران متکلم شیعی و صاحب کتابی درباره امامت معرفی کرده است (نجاشی، بی تا، ۱۸۸). وفاتش به سال ۳۷۰ در موصل بوده است. وی کتاب *«الایضاح و التثقیف فی آئین الخراج و رسومه»* را به نگارش درآورده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۲۳۰؛ یاقوت حموی، ۱۴۱۱: ۳۴۱/۴). از این کتاب اثری برجای نمانده است. با توجه به عنوان کتاب می توان گفت این کتاب مجموعه یادداشت‌هایی در مورد خراج و آداب و رسوم مربوط به آن است. مؤلف بسمت کتابت داشته و این کتاب با هدف کاربردی و آموزشی به نگارش درآمده است. تاریخ‌نگری نویسنده سیاسی-اداری و تاریخی و سبک نگارش کتاب با توجه به این‌که وی به عنوان شاعر نیز مطرح بوده احتمالاً تاریخی-توصیفی و ادبی بوده است.



نتیجه

خراج‌نگاری فقهی-حدیثی و تاریخی شیعیان با توجه به تحولات سیاسی-اجتماعی جامعه اسلامی از قرن سوم آغاز و در قرن چهارم به اوج رسید. کتاب‌های خراج بیشتر جنبه عملی و کاربردی داشته و برای اداره بهتر و شرعی سرزمین‌های مفتوحه تألیف می‌شدند. از این رو بعد از قرن چهارم و فروکش کردن فتوحات و عدم نیاز، تألیف این کتاب‌ها کمتر شده است. کتاب‌های خراج که در قرون بعد نوشته شد مانند کتاب *الخراج* ابن رجب حنبلی (متوفای ۷۹۵) بیشتر جنبه تاریخی پیدا کرده‌اند.

خراج مسئله حکومتی بود، از این رو بیشتر خراج‌نگاری‌های چهار قرن نخست به دست دانشمندان سنی وابسته به خلافت اموی و عباسی نوشته شده است. در دوره تسط صدساله فرمانروایان آل بویه (۳۲۰-۴۴۷) شیعی مذهب بر خلافت اسلامی، نویسندگان شیعی مانند قدامه بن جعفر، ابوالحسن عباد بن العباس و الحسن بن محمد بن عبدالله نیز در نقش کاتب و وزیر دربار آل بویه با هدف اداره بهتر و شرعی سرزمین‌های اسلامی، آثاری در موضوع خراج تألیف کرده‌اند. به سبب طولانی بودن حکمرانی اهل سنت، شمار آثار خراج‌نگاری آنها بیشتر از شیعیان است.

خراج‌نگاری شیعیان بیشتر به صورت روایات مستند، کوتاه و منتخب تنظیم شده و از ذکر وقایع تاریخی مگر در موارد ضروری خودداری شده است. خراج‌نگاری توسط افراد متخصص و برای نیاز دربار نوشته می‌شد از این رو عاری از تمایلات سیاسی و قبیله‌ای است. بیشتر خراج‌نگاری‌های شیعی از بین رفته است اما به سبب متخصص و فقیه بودن نویسندگان، این آثار مورد توجه و استناد مؤلفان قرون بعد قرار گرفته است.

از عنوان کتاب‌های معرفی شده در حوزه خراج این‌گونه به نظر می‌رسد که این آثار جنبه تک‌نگاری داشته باشند ولی با مراجعه به متن و محتوای کتاب‌ها مشخص می‌شود که این کتاب‌ها به موضوعات و احکام متنوع مالی و همچنین به معرفی سرزمین‌های اسلامی توجه داشته‌اند. با توجه به ایرانی‌تبار بودن بیشتر نویسندگان کتاب‌های خراج شاید بتوان گفت که این آثار به تقلید از ایرانیان برای اداره بهتر سرزمین‌های مفتوحه به رشته تحریر درآمده‌اند.

منابع

- قرآن کریم .
- ابن العديم، عمر بن أحمد (بی تا)، *بغیة الطلب فی تاریخ حلب*، ج ۱، المحقق، د. سهیل زکار، بی جا، دارالفکر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد (۱۳۵۸)، *المنتظم*، ج ۷، بیروت، دارصادر.
- ابن خطیب بغدادی، أحمد بن علی (بی تا)، *تاریخ بغداد*، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابن رجب حنبلی (بی تا)، *الاستخراج الاحکام الخراج*، تصحیح سیدعبدالله الصدیق، بیروت-لبنان، دارالمعرفة.
- ابن شیه، عمر (۱۳۹۹هـ)، *تاریخ المدينة*، ج ۱، تحقیق فهیم محمد شلتوت، جدة، طبع علی نفقة: السيد حبيب محمود أحمد.
- ابن شهر آشوب (۱۳۵۳)، *معالم العلماء*، عباس اقبال، طهران، بی نا.
- ابن عساکر (۱۴۱۵ هـ - ۱۹۹۵ م)، *تاریخ دمشق*، ج ۱، تحقیق عمرو بن غرامة العمری، بی جا، دارالفکر.
- ابن ندیم (۱۳۶۶)، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمدرضا تجدد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد (۱۳۸۵)، *مقاتل الطالبین*، قم، موسسه دارالکتاب للطباعة و النشر.
- أبونعیم (۱۴۱۰ هـ - ۱۹۹۰ م)، *تاریخ أصبهان*، ج ۲، تحقیق سیدکسروی حسن، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (بی تا)، *الخراج*، بیروت-لبنان، دارالمعرفة.
- آقا بزرگ طهرانی (۱۳۶۷)، *الذریعة*، ج ۷، الطبعة الاولى، تهران، چاپخانه مجلس.
- بغدادی، إسماعیل پاشا (۱۹۵۱)، *هدیة العارفين*، ج ۱، استانبول، طبع بعناية وكالة المعارف الجلیلة فی مطبعتها البهیة، بیروت-لبنان، دار إحياء التراث العربی .
- بلاذری (۱۹۸۸)، *فتوح البلدان*، تحقیق د. یوسف علی طویل، بیروت، دار ومکتبة الهلال.
- بهلولی، جعفر بن احمد یمان (۱۴۲۳)، *تیسیر المطالب فی امالی ابی طالب*، صنعاء، موسسه الامام زید بن علی.
- جعفریان، رسول (۱۳۹۳)، *منابع تاریخ اسلام*، چاپ اول، تهران، نشر علم.
- حاجی خلیفه (۱۴۳۱-۱۴۳۲ هـ)، *کشف الظنون*، ج ۶، بیروت-لبنان، دارالفکر.

- حورانی، یاسر عبدالکریم (۱۳۸۳)، منابع میراث اقتصادی اسلام، ترجمه مجید مرادی، فصلنامه اقتصاد اسلامی، سال چهارم.
- خضر، عبدالعلیم عبدالرحمن (۱۳۸۹)، مسلمانان و نگارش تاریخ، ترجمه صادق عبادی، تهران، انتشارات سمت.
- خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، بیروت، دارالزهرا.
- دانش پیژوه، محمدتقی (۱۳۶۷)، فهرستواره فقه هزار و چهارصد ساله، بی جا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- الداودی، ابی جعفر احمد بن نصر (۱۴۲۹هـ-۲۰۰۸م)، الاموال، تحقیق رضا محمد سالم شحاده، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ذہبی (۱۴۰۷هـ-۱۹۸۷م)، تاریخ الإسلام، ج ۲۳، تحقیق د. عمر عبدالسلام تدمری، لبنان/بیروت، دارالکتب.
- زریاب خوبی، عباس (۱۳۷۰)، سیره رسول خدا ﷺ، تهران، انتشارات سروش.
- سجادی، صادق (۱۳۸۶)، هادی عالم زاده، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، انتشارات سمت.
- شریف رضی (۱۳۸۷)، نهج البلاغه، ترجمه محمد علی انصاری، قم، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
- شیخ صدوق (۱۳۶۷)، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ترجمه علی اکبر غفاری و دیگران، تهران، ناشر صدوق.
- _____ (۱۴۰۴-۱۹۸۴م)، عیون اخبار الرضا، بیروت - لبنان، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۷)، تاریخ الأمم والملوک، ج ۳، ۵، ۱، ۲، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- _____ (۱۴۲۰هـ-۲۰۰۰م)، جامع البیان فی تأویل القرآن، تحقیق أحمد محمد شاکر، بی جا، مؤسسه الرسالہ.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵)، تہذیب الأحکام، ج ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- _____ (۱۳۷۵هـ)، الاستبصار، ج ۲، نجف، مطبعة النجف.
- _____ (بی تا)، الفہرست، بذیلہ کتاب نضد الايضاح محمد بن محسن القیض الکاشانی، بی جا، بی نا.
- قاضی نعمان، ابوحنیفہ نعمان بن محمد (۱۴۱۴)، شرح الاخبار فی فضائل الائمه الاطہار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی، بی جا، موسسه النشر الاسلامی.

- قدامه بن جعفر، أبوالفرج (۱۹۸۱م)، *الخارج وصناعة الكتابة*، بغداد، دارالرشيد للنشر.
- قرشي، يحيى بن آدم (بی تا)، *الخارج*، بیروت-لبنان، دارالمعرفه.
- قزوینی، زکریا بن محمد (بی تا)، *آثار البلاد وأخبار العباد*، بیروت، دارصادر.
- قلقشندی، احمد بن علی (۱۹۸۷م)، *صبح الأعشى*، ج ۶، دمشق، دارالفکر.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۶۱)، *تاریخ قم*، ترجمه حسن بن عبدالملک، تصحیح سیدجلال الدین طهرانی، تهران، انتشارات توس.
- کلینی (بی تا)، *الکافی*، ج ۳، ۵، ترجمه سید جواد مصطفوی، طهران، انتشارات مسجد.
- لشکری، علیرضا (۱۳۸۵)، *نظام مالیاتی اسلام*، تهران، وزارت امور اقتصادی و دارایی و پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۶۲)، *زمین در فقه اسلامی*، ج ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (بی تا)، *الرجال*، بی جا، مرکز نشر کتاب.
- نوری طبرسی، الحاج میرزا حسین (بی تا)، *مستدرک الوسائل*، ج ۷، بیروت / لبنان، تحقیق موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- هارونی، أحمد بن الحسین (بی تا)، *شرح التجریدی فی فقه الزیدیة*، ج ۲، تحقیق محمد یحیی عزان و حمید جابری عبید، یمن، مرکز البحوث والتراث.
- یاقوت حموی (۱۴۱۱ هـ-۱۹۹۱ م)، *معجم الأدباء*، ج ۸، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- (۱۹۹۵)، *معجم البلدان*، ج ۱، ۳، ۴، بیروت، دارصادر.